

بررسی حقوق کودکان کار در ادبیات کودک و نوجوان و مقایسه مختصر آن با حقوق کودکان در قرآن

علی حسینی پور، سیده فاطمه حسینی میرصفی*، مهرداد ناظری

۱- گروه فلسفه، الهیات و معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه علوم تربیتی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۰، صص ۱۹۴-۱۷۷

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7838>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: ادبیات کودک و نوجوان بویژه آثار داستانی و اشعاری که پیرامون کودکان کار پدید آمده است زمینه و فضای مناسبی را فراهم میکند تا بخشی از زندگی، دغدغه‌ها و مشکلات این قبیل کودکان بتصویر کشیده شود و تجارب ناخوشایند و نیازهای آنان از منظر ادبی و هنرمندانه به مخاطبان نشان داده شود. جهتگیریهای نویسندگان و شاعران عرصه ادبیات کودک و نوجوان نسبت به حقوق کودک، روشنگر بسیاری از آسیبهای اجتماعی است؛ حقوقی که در قرآن کریم نیز مورد توجه قرار گرفته است. هدف اصلی این پژوهش آسیب‌شناسی حقوق کودکان کار در متون ادبی و نگاهی به حقوق کودکان در قرآن کریم میباشد.

روش پژوهش: روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و سند کاوی است. جامعه آماری پژوهش و تمرکز اصلی آن بر یازده اثر شاخص ادبیات کودک و نوجوان از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و قرآن کریم است.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در آثار مورد بررسی شاعران و نویسندگان کودک و نوجوان اصلیتین مسائل مربوط به حقوق کودک بویژه مسأله کودکان کار را بخوبی با عواطف مناسب در راستای القای مضمون کودکان کار، مورد توجه قرار داده‌اند و حقوق کودک در قرآن کریم نیز از جمله نکاتی است که خداوند متعال توجه به آن را در آیات مختلف از جنبه‌های گوناگون مورد توجه قرار داده است.

نتایج پژوهش: نتایج این مطالعه نشان میدهد که از جمله حقوق اساسی مغفول در خصوص کودکان کار در ادبیات داستانی توجه به مسأله سواد، معیشت، حمایت عاطفی، نهی از کار کودک، توجه به بازی، فراغت، حفظ کرامت دختران میباشد و در قرآن کریم نیز حقوق کودک بویژه مسأله تعلیم و تربیت، تأمین نفقه و معیشت، توجه به ارزش و کرامت انسانی دختران از جمله نکات حائز اهمیت میباشد.

تاریخ دریافت: ۲۵ آذر ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۲۶ دی ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۰ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۷ اسفند ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

ادبیات داستانی، داستانهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کودکان کار، حقوق کودک در قرآن کریم.

* نویسنده مسئول:

✉ dr.mirsafi@iaui.ir
☎ ۵۵۲۲۹۲۰۰ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating the rights of working children in children's and adolescent literature and briefly comparing it with the rights of children in the Qur'an

A. Hosseini Alipour, S.F. Hosseini Mirsafi*, M. Nazeri

1- Department of Philosophy, Theology and Islamic Studies, Yadegar Imam Khomeini (RAH) Branch, Shahr-e Ray, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Department of Educational Sciences, Yadegar Imam Khomeini (RA) Branch, Shahr-e Ray, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 15 December 2024

Reviewed: 15 January 2025

Revised: 29 January 2025

Accepted: 17 March 2025

KEYWORDS

Fiction, Stories of the Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents, Child labor, Child rights in the Holy Quran.

*Corresponding Author

✉ dr.mirsafi@iau.ir

☎ (+98 21) 55229200

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Children's and adolescent literature, especially fiction and poetry works that have emerged around child laborers, provide a suitable context and space to depict a part of the lives, concerns, and problems of such children and to show their unpleasant experiences and needs to the audience from a literary and artistic perspective. The orientations of writers and poets in the field of children's and adolescent literature towards children's rights shed light on many social harms; rights that have also been considered in the Holy Quran. The main goal of this research is to analyze the pathology of child labor rights in literary texts and look at children's rights in the Holy Quran.

METHODOLOGY: The research method in this article is descriptive-analytical based on library studies and document mining. The statistical population of the research and its main focus are eleven key works of children's and adolescent literature published by the Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents and the Holy Quran.

FINDINGS: The research findings indicate that in the works under study, poets and writers of children and adolescents have addressed the main issues related to children's rights, especially the issue of child labor, with appropriate emotions in order to convey the theme of child labor, and child rights in the Holy Quran are also among the points that God Almighty has paid attention to in various verses from various aspects.

CONCLUSION: The results of this study show that among the neglected basic rights regarding child labor in fiction literature are attention to the issue of literacy, livelihood, emotional support, prohibition of child labor, attention to play, leisure, and preservation of the dignity of girls. In the Holy Quran, child rights, especially the issue of education and upbringing, provision of alimony and livelihood, attention to the value and human dignity of girls, are among the important points.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7838>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 24	 0	 0

مقدمه

امروزه پیچیدگی و درهم‌تنیدگی نظام‌های فرهنگی و اجتماعی در جهان معاصر چنان شدت و قوت گرفته است که مطالعه و تحقیق جداگانه پیرامون بسیاری از علوم، نتیجه‌ای دقیق و مطابق با واقعیت نخواهد داشت از این رو ضروری است تا با بهره‌گیری از مطالعات میان‌رشته‌ای به تحقیق و واکاوی پرداخته شود و همین مسأله ضرورت توجه به رویکردهای میان رشته‌ای بویژه در شاخه‌های علوم انسانی را آشکار میکند. ادبیات بعنوان شاخه‌ای از مطالعات علوم انسانی رابطه‌ای تنگاتنگ با علوم دیگر از جمله جامعه‌شناسی دارد و از دیگر سو معضلات و مشکلات اجتماعی که موضوع پژوهش پیش روست با سنجه‌ها و ابزارهایی چون جامعه‌شناسی دینی بخوبی قابل تحلیل و ارزیابی است. ادبیات با ابزار شعر و داستان و بهره‌گیری از تکنیکهای روایی، صورخیال و شخصیت‌پردازی قصد دارد به بازنمایی جهان پیرامون بپردازد و در مقابل علومی مانند جامعه‌شناسی با رویکردی شفاف و مستقیم به تصویرپردازی از جامعه و مشکلات آن اقدام مینماید؛ از این رو ممکن است مخاطب در مواجهه با هر یک از این علوم بصورت فعالتر یا مفصلتری عمل کند اما آنچه که مسلم است آن است که در ساحت روایی شعر یا داستان حقایق بصورت تلطیف یافته‌تر و قابل قبول‌تری ارائه میشوند و مخاطب میتواند با همذات‌پنداری بیشتری در مواجهه با وقایع تلخ و شیرین جهان پیرامون به تفکر و تعمق بپردازد. بسیاری از هنرمندان، شاعران و نویسندگان با بهره‌گیری از شعر و داستان توانسته‌اند حجم قابل توجهی از مشکلات کودکان بویژه در دنیای معاصر را بصورت بکشند. کودکان و نوجوانان از جمله سرمایه‌های اصلی و ملی یک جامعه بشمار می‌آیند که در توسعه آینده آن کشور، بسیار تاثیرگذارند. مشکلات و گرفتاریهای معیشتی که سبب روی آوردن کودکان به بازار کار میشود از جمله عوامل و موانع بسیار بزرگ بر سر راه رشد و به ثمر نشستن این سرمایه‌های ملی است. بسیاری از متخصصین علوم جامعه‌شناسی مردم‌شناسی، روانشناسی و پژوهشگران عرصه تعلیم و تربیت برای حل این مشکلات راهکارها و پیشنهادهایی ارائه داده‌اند. ادبیات فارسی و آثار داستانی، شعر و قصه‌های کودکان محمل بسیار مناسبی است که نویسندگان و شاعران بتوانند با بهره‌گیری از ابزارهای هنری و ادبی مشکلات کودک را بازشناسایی کنند و در جهت تبیین شرایط و یا رفع موانع و مشکلات به این بخش از نیازهای عاطفی کودکان و نوجوانان بپردازند و به حقوق کودکان نگاهی هنری و داشته باشند، کتب مورد بررسی در این جستار شامل «چوپان کوچک» از عبدالحمن اونق، «بالاییها و پاییینها» از محمود برآبادی، «آسمان هنوز آبی است» از مصطفی رحماندوست، «در انتظار طلوع» علی اکبر رحمانی، «لالایی برای دختر مرده» حمیدرضا شاه آبادی، «خورشیدی در صحرای ترکمن» یوسف قوجق، «احوالپرسی چترها» داوود لطف الله، «فضانوردها در کوره آجرپزی» از محمدحادی محمدی، «قالیچه بته جقه»، «شالیزار سبز» و «قلمزن و راهزن» هر سه از محمدرضا یوسفی میباشد که در این آثار به حقوق کودکان توجه ویژه شده است؛ حقوقی که در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته است. مسأله اصلی پژوهش حاضر آن است که تا نگاه و عملکرد نویسندگان و شاعران ادبیات کودک و نوجوان به یکی از مباحث بسیار پر اهمیت یعنی کودکان کار مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد و حقوقی که در قرآن کریم بعنوان اصل حقوق کودک بصورت مستقیم و غیر مستقیم مورد توجه قرار گرفته است، تبیین و بررسی شود تا به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که اصلیت‌ترین آسیبهای مربوط به کودکان کار در ادبیات داستانی کودک و نوجوان چیست و خداوند متعال در قرآن کریم چه حقوقی را برای کودکان مورد توجه قرار داده است؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

توجه به آسیب‌شناسی کودکان کار در ادبیات و موضوع حقوق کودک در قرآن کریم از جمله مضامینی است که در صورت توجه به آن بصورت دقیق، ابزار مناسبی جهت تحلیل و بررسی مشکلات کودکان بصورت عمیق و دقیق در اختیار مخاطبان و پژوهشگران قرار می‌دهد. لزوم شناخت حقوق کودکان در متون ادبی و آثار کودک و نوجوان بموازات اهمیت این مساله در قرآن کریم و آیات مبارکه آن اهمیت و جایگاه فرزندان را بخوبی روشن می‌سازد، خلا پژوهشی همه جانبه نگر در این زمینه و مغفول ماندن چنین بررسی‌هایی ضرورت پژوهش از سوی نگارندگان را ایجاب نمود.

پیشینه پژوهش

در خصوص تطبیق مسأله کار کودکان در ادبیات چند پژوهش نسبتاً مرتبط یافت شد. باغدار دلگشا (۱۴۰۱) در مقاله «بازنمایی و برساخت حقوق کودکان در ادبیات داستانی ایران ۱۲۸۵-۱۳۲۰» از دوران مشروطه یعنی شکل‌گیری رسمی ادبیات کودک و نوجوان به بعد، به بحث و بررسی پیرامون حقوق کودک در ادبیات داستانی ایران پرداخته و نتیجه گرفته که در حیطه مورد بررسی مسائلی مانند بازماندن از تحصیل، کودک همسری و کودکان طلاق بیشترین حقوقی است که در خصوص کودکان مورد ارزیابی و توجه قرار گرفته است. رضوی و پورجودی (۱۳۹۸) در مقاله «مؤلفه‌های حقوق کودک در ادبیات» به بحث و بررسی پیرامون تزییع حقوق کودک و بهره‌کشی از کودکان کار در ادبیات با تکیه بر داستان بچه‌های قالیباف خانه، آتش زیر خاکستر و مشت بر پوست پرداخته‌اند. کیانی و دیگران (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی چگونگی توجه به حقوق کودک در داستان بچه‌های قالیبافخانه؛ با تأکید بر حقوق کار در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی» به بررسی محیط کارگاه‌های قالیبافی در داستان قالیبافخانه اثر هوشنگ مرادی کرمانی پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که وضعیت نامناسب کودکان کار در کارگاه‌های قالیبافی، فقدان خوابگاه، عدم نظارت بر امکانات نامناسب بهداشتی، دستمزد اندک و بهره‌کشی و بیگاری از کودکان از جمله حقوق از دست رفته آنان است که در این داستان مدنظر قرار گرفته و مرادی کرمانی توانسته است فاجعه کودک‌آزاری و بی‌توجهی به اوضاع روحی و شرایط زندگی کودکان در این قبیل کارگاه‌ها را بخوبی ترسیم نماید. انتظاری و جداییان (۱۳۹۰) نیز در مقاله «بازنمایی فرهنگ در کتابهای داستانی کودکان» در کتب داستان کودک رده سنی هفت تا دوازده سال در فاصله سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ به بحث و بررسی پرداخته‌اند. در این پژوهش تلاش شده است نقش عوامل فرهنگی جامعه در ایجاد معضلات و مشکلات از جمله کار کودکان را بررسی و تحلیل نمایند. رویکرد این مقاله ترویج و تشویق ارزشهای انسانی است و با جهت‌گیری و سویه‌های ارائه شده در جستار پیش‌رو متفاوت است.

از میان مقالاتی که در خصوص حقوق کودکان در قرآن تاکنون به چاپ رسیده است نیز میتوان به این موارد اشاره نمود: اسفندیار (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی حقوق کودک در اسلام با استناد بر آیات و روایات» با تأکید بر اهمیت دوران کودکی و مراقبت جسمی و روحی از کودک در روایات، واژه حق در قرآن کریم را بررسی نموده و مصادیقی از حق کودک و وظایف والدین را در روایات اسلامی و آیات برگزیده قرآن ارزیابی نموده است. حکیمی و دانش پژوه (۱۳۹۸) در مقاله «حقوق کودک در قرآن و حقوق بین‌الملل» ضمن توجه به پیشینه حقوق کودک در جهان و اسناد بین‌المللی و اسلام، نشان داده‌اند که جایگاه حقوق کودک در قرآن و اسلام نسبت به قوانین حقوقی کودکان در جهان از جایگاه بسیار فاخر و ارزشمندتری برخوردار است. امیریان فارسانی و رضایی خیرآبادی (۱۳۹۷)

در پژوهشی با عنوان « جایگاه حقوق کودک در فقه، حقوق و قرآن کریم » ابتدا به حقوق کودک و مفهوم ولایت و سرپرستی کودک از منظر فقهی و حقوقی در فقه اسلام توجه کرده و سپس حقوق فرزند از نظر ائمه معصوم و آیات و روایاتی که در این زمینه آمده است پرداخته‌اند. ایروانی و عبادی (۱۳۹۰) در مقاله « بررسی تطبیقی حقوق کودک در قرآن و کنوانسیون حقوق کودک » به پیشگام بودن قرآن کریم در توجه به حقوق کودک و مقایسه آن با کنوانسیون حقوق بشر در خصوص کودکان پرداخته‌اند.

روش پژوهش

این پژوهش بشیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای سندکاوی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت خواهد پذیرفت. نمونه‌ها و مصادیق از متون ادبی با تمرکز بر موضوع کودکان کار در کتب منتخب ادبیات کودک و نوجوان خواهد بود. از آنجا که منبع جامع و مدونی برای ارائه تمام آثار منتشر شده حوزه ادبیات کودک و نوجوان وجود ندارد لذا از منابع کتابشناسی آثار کودک و نوجوان موجود در کانون پرورش فکری از مجموعه فهرست شورای کتاب کودکان و نوجوانان جهت گزینش آثار بهره گرفته‌ایم. تلاش شده است تا با رعایت توازن در محتوای آثار و گزینش آنها، بستری مناسب جهت بدست دادن الگوی مناسب و نگاه به این پدیده اجتماعی فراهم شود. در مبحث حقوق کودک در قرآن کریم نیز، منبع آیات مربوطه در این زمینه می‌باشد.

بحث و بررسی

کودکان و نوجوانان از سرمایه‌های ملی هر کشوری بحساب می‌آیند که نقش اساسی در توسعه آینده هر کشوری بر عهده دارند؛ از این رو توجه به نیازهای روحی کودکان و نوجوانان و شناخت معضلات و مشکلات آنان در جامعه و ارائه راهکار مناسب جهت حل این مشکلات می‌تواند سبب رشد و به ثمر نشستن هر چه بهتر و بیشتر این سرمایه‌های ملی باشد. روانشناسان، جامعه‌شناسان و فعالان حوزه‌های مختلف فرهنگ، تعلیم و تربیت و... هر یک جهت حل مشکلات مربوط با کودکان راههای گوناگونی را ارائه نموده‌اند، اما در این میان توجه به آسیب‌شناسی مشکلات کودکان از منظر جامعه‌شناسی دینی و قرآنی یکی از ابزارهای مناسب و سودمند است که می‌تواند مشکل را بخوبی شناسایی کند و برای حل آن راهکارهای قابل اجرا و منطبق با فطرت انسانی ارائه دهد. ویژگیهای جسمی، عاطفی و روانی کودک و نوجوان ایجاب می‌کند که این گروه سنی از حقوق انسانی و حمایت و توجه معنوی و قانونی بهره‌مند باشند تا از گزند آسیبهای گوناگون موجود در جامعه در امان بمانند. چنانکه در این مورد آمده است: « ماده هفده اعلامیه حقوق بشر اسلامی مقرر می‌نماید هر طفل در وقت ولادتش از حق حضانت و تربیت و حقوق مادی و معنوی برخوردار است که این حقوق بر عهده والدین، جامعه و دولت است و باید متناسب با مصالح آنها و مبتنی بر ارزشهای اخلاقی و احکام شرعی انجام پذیرد » (میرشکاری و فراهانی، ۱۳۹۲: ص ۲۳).

کودکان کار

کودکان در طول تاریخ بشیوه‌های گوناگون در معرض انواع آسیبهای جسمی و روحی بوده‌اند. در این میان کودکان کار، بخشی از جامعه هستند که بهترین روزهای زندگی خویش را بدلیل شرایط سخت محیط خانوادگی برای امرار معاش بکار اختصاص می‌دهند تا بتوانند به گذران زندگی بپردازند. اما این شرایط نباید آنان را از حق و حقوق مسلم مهارتهای شغلی، امنیت، رفاه، بهداشت، بازی، تفریح و سرگرمی باز دارد چرا که کودکان کار نیز بمانند سایر

کودکان حق دارند از زندگی متعادل با حداقل امکانات لازم برای یک فرد توأم با آرامش و احترام برخوردار باشند. «امروزه کار کودک، نقض حقوق او عامل محرومیت اجتماعی‌اش بشمار می‌آید» (مصفا، ۱۳۸۲: ص ۲۷). در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته، مسأله کودکان کار یکی از معضلات اساسی و ریشه‌ای بحساب می‌آید که سبب توجه بسیاری از پژوهشگران در حوزه‌های مختلف شده است. بنابر تعریف سازمان یونسف^۱ کودکان کمتر از ۱۸ سال که بدون سرپرستی و نظارت بزرگسالان و والدین خود به شغلی اهتمام بورزند، کودک کار نامیده میشوند. کودکانی که بدلیل ضعف و مشکلات اقتصادی خانواده‌شان مجبور هستند کار کنند یا بخاطر شرایط بدسرپرستی به گروه‌های تبه‌کار فروخته میشوند و از سوی آنان مجبور به کار و کسب درآمد میگردند (ر.ک نعیمی حصار و دیگران، ۱۳۶۹: ص ۱). این کودکان بجای گذران اوقات خود در مدرسه، محیط خانواده، گذران اوقات فراغت، بازی، تفریح، برخورداری از تغذیه سالم و امکانات رفاهی، بصورت مداوم بخدمت گرفته میشوند و بدون بهره‌گیری از تجارب لذت‌بخش دوران کودکی، سلامت جسمی و روحیشان بمخاطره می‌افتد. طبق آخرین سرشماری یونسف در سال ۲۰۱۹ حدود ۱۶۸ میلیون کودک در سراسر جهان کودک کار بحساب می‌آیند گرچه آمار دقیقی از این وضعیت نمیتوان ارائه داد و منابع رسمی تعداد کودکان کار را بیش از ۲۵۰ میلیون نفر معرفی کرده‌اند (ر.ک خوب‌بخت و نیکنامی، ۱۳۹۸: ۹۳). «مطالعات متعدد در طی سالهای متمادی نشان داده‌اند که وضعیت سلامت کودکان کار در هر سه بُعد جسمی، روانی و اجتماعی بطور چشمگیری نامطلوبتر از همسالان آنهاست. عواملی نظیر فقر، افزایش تورم، طلاق و بالا رفتن هزینه تحصیل از مهمترین عوامل بروز کار کودکان در ایران بوده است» (شفیع‌آبادی و دیگران، ۱۴۰۲: ص ۵).

تحلیل داده‌ها

حقوق کودکان در ادبیات

حمایت عاطفی از کودکان کار: حمایت عاطفی از کودکان یکی از نکاتی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. همانگونه که کودک به غذای جسم نیاز دارد، به غذای روح یعنی مهر و محبت والدین نیز نیازمند است و لازم است تا این نیاز طبیعی بر اساس سن و شرایط کودک بشیوه‌های گوناگون در حق وی ادا شود و والدین مهرورزی به کودک را جزء وظایف اولیه خویش قرار دهند. کودکان با قرار گرفتن در محیط جامعه و اشتغال دچار لطمات جبران‌ناپذیری بلحاظ عاطفی میشوند که با عناوینی از جمله «استثمار»، «بهره‌کشی اقتصادی» یا «سواستفاده از نیروی کار» شناخته میشود. «کودکان کار از نظر روانی بسیار آسیب‌پذیر میباشند؛ چرا که محیطهای کاری اغلب شرایط سخت و تحقیرکننده‌ای برای این قبیل کودکان به‌همراه دارد و سبب میشود که آنها از جهت روانی بشدت رنج ببرند تا جایی که ممکن است به اختلالهای روانی مبتلا شوند، از نظر عاطفی نیز اطفال کارگر همگی احساس کمبود میکنند» (بیگی، ۱۳۸۸: ص ۱۵۲). در آثار داستانی ادبیات کودک و نوجوان، احساسات و عواطف کودکان کار بخوبی توصیف شده است. آنچه که مخاطب از احساسات آنان درک میکند آن است که نیاز به همدلی و پیوند عاطفی دارند:

«چرخ‌دستی را بسختی میکشید/ زیر باران میگذشت از کوچه‌ها / کوچه‌هایی چون لبو سرخ و کبود / کوچه‌هایی قهر با آهنگ پا / پا به پای ناتوان و کوچکش / کوچه‌ها را پرسه میزد باد سرد / دستهایش را که باران خورده بود / با بخار روی چرخش گرم کرد/ مثل گنجشکی هراسان توی باد / در پناه تک درختی ایستاد / خسته بود و کنج

^۱. United Nations International childrens Emergenecy Fund

دیواری نشست / خستگیها را به آن دیوار داد / با صدایی یخ زده از سوز باد / زیر باران داد زد: داغ لبو / شیشه سرد نگاهش را شکست / قطره‌های بی‌امان اشک او « (لطف‌الله، ۱۳۷۳: صص ۱۰ - ۱۱).

در داستان «قلمزن و راهزن» از محمدرضا یوسفی کودکی به نام سلمان از خانواده و محیط زندگی خود به امید یافتن کاری مناسب دور میشود، اما هنگامی که در محیط کار پایش آسیب میبیند، استاد کارش هیچ توجهی به وضعیت او نمیکند و بی‌اعتنا نسبت به بلایی که بر سر این کودک آمده است به او میگوید:

«بخت یارت بود که قیر بر روی پایت ریخت. اگر بر روی دستت میریخت، مصیبت بود، قلمزن به سر انگشتانی ماهر و چشمانی تیز بین عقلی هوشیار نیاز دارد» (یوسفی، ۱۳۹۰: ص ۳۲).

کودکان کار عموماً از وضعیت خود آگاهند و میدانند که با سایر کودکان تفاوت‌های زیادی دارند. فقر مالی و عاطفی آنان را رنج داده و می‌آزارد. در داستان «بالاییها و پایینیها» عباس، کودکی است که به کارهای فصلی سرگرم است، در زمستان برف‌روبی میکند و در فصول دیگر بنا به فراخور به کارهای موقت دیگر میپردازد. عباس خوب میداند که اصرارهای مکرر و مداوم مادر برای کار کردن او نشان از فقر خانواده دارد، فقری که حاصل آن کار مداوم، بیمار شدن و عدم برخورداری از حمایت عاطفی برای وی است:

«مادر میگوید! بلند شو برف پارو کن تا ده بیست تومن گیرت بیاد... نهار و شام مگه نمیخوای؟ باید پول داشته باشی» (برآبادی، ۱۳۸۵: ص ۵).

هادی، کودک دیگری است که در ضمن انشاء خواندن در کلاس، از شرایط رقت‌بار خود میگوید و حسرتها و آرزوهای خویش را بر زبان می‌آورد؛ کودکی که باید کمک خرج خانواده باشد اما این شرایط تبدیل به کابوسهای شبانه وی میشود:

«آقا معلم از خدا پنهان نیست از شما چرا پنهان باشد. خودت میدانی که پدرم در کارخانه کار میکند اما نمیدانی که صبح خیلی زود مرا ترک دوچرخه مینشانند و جلوی بانک ملی پشت پارک میبرد. آنجا من وزن مردم را اندازه میگیرم و با اینکار کمک خرج خانواده هستم... {یک شب خواب دید که} پدرش خسته از کار برگشته است و آنقدر خسته است که همانطور سر سفره خوابش برده و حوصله شام خوردن هم ندارد. خواهرهایش خیلی مظلوم سر سفره نشسته‌اند و او دارد مشقهایش را مینویسد...» (رحمانی، ۱۳۹۰: صص ۱۴ و ۲۸).

نمونه دیگری از عدم حمایت عاطفی از کودک را میتوان در داستان «لال لایی برای دختر مرده» مشاهده نمود. دختری که بدلیل مشکلات مالی از سوی خانواده در کودکی فروخته میشود و در نهایت در خانهای بعنوان خدمتکار مشغول به کار میگردد اما بدلیل سوختن دستش و از کارافتادگی، از خانه اخراج میشود:

«بعد از مدت زیادی وقتی که زخمهایش را باز میکنند میبینند که دستهایش دیگر مثل گذشته نیستند و از عهده کار آشپزخانه هم برنمی‌آید و سربار خانه است. خان هم که نان مفت به کسی نمیدهد. حکیمه را از خانه‌اش بیرون میکند. حکیمه تنها و بی‌پناه در خیابان رها میشود» (شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۵۸).

نهی از کار کودکان و توجه به بازی و اوقات فراغت آنان در جهت رشد جسمی و فکری: یکی از نکات حائز اهمیت در خصوص سلامت روانی و جسمانی کودکان آن است که اغلب کودکان محروم از بازی از رشد و نمو سالم روانی و بدنی بهره‌مند نخواهند بود و حواس پنجگانه آنان تقویت نمیشود (ر.ک شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵: ص ۸۴). هر اندازه که پدر و مادر و یا سرپرستان کودک زمینه‌ای را برای بازی، نشاط و سرگرمی مفید و سازنده کودک فراهم نمایند به وی در آرامش عاطفی و توانش جسمانی بیشتر کمک مینمایند. کودکی که از بازی و تربیت اخلاقی محروم است، مهارتهای لازم برای زندگی در جامعه را فرامیگیرد و نمیتوان آثار کرامت، عزت نفس و سلامت

روحی و روانی را بخوبی در وی مشاهده نمود. «برای شکوفایی استعداد کودکان باید از همان طفولیت اقدام نمود. آشنا کردن کودکان با بازی، پرهیز از انجام دادن کارهایی که رشد شناختی آنان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و ایجاد حس لذت در زمان بازی برای کودکان بسیار ضروری است. رسول گرامی اسلام (ص) این نکته را به پدران و مادران یادآور می‌گردد که اگر در فرزند خردسال خود حالاتی خارج از نظم و بیرون از مرز طاعت و انتقاد و سرکشی کودکان مشاهده کردید، نمایانگر فزونی خرد و اندیشه در بزرگسالی است» (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰: ص ۹۸).

به هر ترتیب گرچه خانواده عموماً به سعادت فرزندان خود می‌اندیشند و نسبت به سلامت روحی و روانی و جسمی آنان احساس مسئولیت می‌کنند؛ اما گاه شرایط بد اقتصادی و معیشتی، اعتیاد والدین و عوامل بسیار دیگری سبب می‌شود که کودکان خردسال کم سن و سال بجای بازی و تفریح، به کار مشغول شوند (ر.ک رحیمی‌پور، ۱۴۰۳: ص ۱۱۹). کودکان کار گاه بدلیل شرایط سخت و رقّت باری که در محیط کار تجربه می‌کنند. داستان «فانوردان در کوره آجرپزی» روایتی است از زندگی «چمن» قهرمان داستان که در یک شب تابستانی برای نجات دوستش «سبزی» که هر دو در کوره آجرپزی کار می‌کنند تصویر می‌کشد. یک روز که سبزی، در گرمای طاقتفرسای کوره در تابستان مشغول کار است پایش با چند تکه شیشه برخورد می‌کند و زخمی می‌شود و پس از مدتی بدلیل فقر خانواده و بیتوجهی صاحب کار به کزاز مبتلا می‌شود و دیگر نمیتواند حتی از جایش بلند شود. چمن، دوست سبزی تلاش می‌کند تا بحرانی‌ترین شب زندگی سبزی را برایش آسان کند و در این حین زوج آدم فضایی از سیاره ای دیگر به زمین می‌آیند تا به انسانها گوشزد کنند که همگی از حق حیات، برخورداری از بهداشت و درمان باید بهره مند باشند. بخشی از این داستان لحظات سخت و طاقتفرسایی را که کودک بیمار، رنج و درد و تب را بجان خریده و با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند چنین ترسیم نموده:

«در کارگاه آجر پزی [پشه‌ها خون رقیق بشری را از تن بیمارش میکشیدند. نیش آنها مثل سوزنی بود که در تنش فرو میشد» (محمدی، ۱۴۰۰: ص ۵۲).

«سبزی» قهرمان کوچک داستان در میانه کابوسهایی که بخاطر مریضی به آن دچار شده است هم حتی از کار کردن در کوره آجرپزی بیزار و هراسان است:

«سبزی در ناهشیاری و ضعف شدید گفت: پشه‌ها در کوره کار نمی‌کنند. کوره گرم است، پشه‌ها می‌روند برای خان گوسفند چرانی می‌کنند» (همان).

در داستان «چوپان کوچک» قهرمان داستان از اینکه توسط پدر به کار گمارده شده است و نمیتواند با فراغ بال بازی کند و مانند کودکان دیگر سرگرم باشد، ناراحت است:

«پدر درکم نمی‌کند کارهایی از من می‌خواست که عهده‌اش برنمی‌آدمم یا اگر می‌خواستم انجامش بدهم، خوب نمیتوانستم مثل پشمچینی گوسفند» (اونق، ۱۴۰۳: ص ۱۰).

«رسیدگی به گوسفندها یک ساعتی کار میبرد، یک ساعت سخت و شلوغ بعد آن غذای مادر بزرگ که بنظر من خوشمزه‌ترین غذای همه دنیاست. اما ظاهراً پدر نمی‌خواست این خوشی ایجاد شود» (همان: ص ۱۵).

پدر در این داستان از اینکه پسر کوچکش دوست دارد مدرسه برود ناراحت است و می‌خواهد هر طور که شده، جلوی او را بگیرد:

«چرا دست از سر ما ورنمیداری تو، همه‌اش میگی درس، مشق، آخه درس و کلاس واسه آدمایی خوبه که دستشون به دهنشون میرسه نه من و تو که از بی‌کفنی زنده‌ایم» (همان: ص ۱۹).

باقی اهالی ده نیز همصدا با پدر او را برای خانه نشین کردن فرزندانش تشویق نموده و بنوعی سنگ اندازی میکنند: «مدرسه که باز بشه و بچه‌ها برن دنبال درس و مدرسه، فاتحه چوپونی خونده است... فردا کسی پیدا نمیشه از گوسفندها نگهداری کنه، [بچه‌ها] پز درس و مشق میدن و دونه دونه شاید همه گوسفندها را یکجا بفروشن و برن دنبال کار دیگه‌ای، آخرش هم هیچی به هیچی» (همان: صص ۱۱ - ۲۰).

توجه به مسائل اقتصادی و مشکلات معیشتی کودکان کار: فقر و تنگدستی نیز از جمله عواملی است که کودکان را به کار وامیدارد تا جاییکه فقر را میتوان تأثیرگذارترین عامل کار کودکان بحساب آورد. در داستان «بالایها و پایینها» فقر ویژگی اصلی تمام خانواده‌هایی است که در داستان معرفی شده‌اند؛ فقری که بچه‌ها را به کار در کوره‌پزخانه‌ها و خیابان وامیدارد:

«از بس توی این کوره‌پزخانه‌های صاحب مونده کار کرده ناقص شده خدا تقاصشو از صاحباش میگیره ان شاء الله. الهی کوره روی سرشان خراب بشه» (برآبادی، ۱۳۸۵: ۹).

وضعیت نامناسب خانواده‌ها، نبود یا مرگ پدر، اعتیاد، از کار افتادگی، طلاق و جدایی پدر و مادر، بیماری و... همه و همه زمینه‌ساز مشکلات اقتصادی و در تنگنا قرار گرفتن خانواده‌ها و سرانجام کار کودکان میشود. رحماندوست این شرایط را در شعر «آسمان هنوز هم آبی است» تصویر کشیده است:

«دانه دانه برف میبارد هنوز / در سر بازارها در خانه‌ها / کوچه‌ها خالیست، مردم بیگمان / یا سرکارند یا در خانه‌ها / صبح زود از خانه بیرون آمدم / تا که شاید مشتری پیدا کنم / هست چشم بر در تا که من / لقمه نان دیگری پیدا کنم / کرده‌ام فریاد: واکسی، واکس، واکس / صبح تا حالا میان کوچه‌ها / هیچکس با من ندارد کار و من / مانده‌ام تنها میان کوچه‌ها / بچه‌های مثل من توی کلاس / شاید اکنون جمله‌سازی میکنند / شاید الان زنگ تفریح است و باز / بچه‌ها با برف بازی میکنند / دست من از سوز سرما یخ زده / نان ما در سفره رنگین کیست؟ / هیچ کس در کوچه‌های شهر نیست» (رحماندوست، ۱۳۸۴: ص ۱۴).

در داستان «شالیزار سبز» صنوبر دختری کوچک است که بدلیل شرایط جسمی مادر که دیگر قادر به کار کردن در مزرعه نیست، تصمیم میگیرد تا در شالیزار کار کند گرچه او بسیار کوچک و نحیف است اما مجبور است کار کند؛ کاری سخت و طاقت‌فرسا در شالیزار که حتی به او اجازه اندک استراحتی هم نمیدهد:

«همه حواس صنوبر پیش مادرش بود. ظهر خواسته بود سری به خانه بزند و حال مادرش را بپرسد اما تیر نگاه پدرش او را در جایش میخکوب کرده بود. مشهدی قربان به او گفته بود: دختر حواست را بکار بده، غروب وقت خانه رفتن است. [صنوبر] سرش را پایین انداخت و تا غروب یکسره برنجه‌ها را درو کرد» (یوسفی، ۱۳۷۴: ص ۱۷).

در شرایط اقتصادی بد خانواده، کودکان نحیف و ناتوان مجبور به تحمل وضعیت سخت و طاقت‌فرسایی میشوند. در داستان «فضانوردها در کوره آجرپزی» قهرمان داستان کودکی است که در هنگام کار پایش با تکه‌های شیشه در یک کارخانه آجرپزی زخمی میشود و بعلت عدم توجه به درمان کودک، به کزاز مبتلا میشود. کودکی به نام سبزی فقر و تنگدستی خانواده مانع میشود تا او را درمان کنند و با مرگ دست و پنجه نرم میکند:

«سبزی از دهان زن عمویش شنیده بود که کمتر کسی از ناخوشی کزاز جان سلامت میبرد» (محمدی، ۱۴۰۰: ص ۴۸).

«سبزی نالان گفت امشب من میمیرم» (همان: ص ۵۱).

کودک چنان بیمار و تدار است که برای خنک شدن بدنش و پایین آمدن تبش حاضر است به آب انبار برود:

«[سبزی گفت] بی بی تو آب انبار چقدر خنک است! من از اینجا بیرون می‌آیم. همینجا می‌خوابم. اینجا خیلی خنک است. بیرون گرم است. خیلی گرم! آفتاب همه جا را گرفته! عمو رضا داد می‌زد. سبزی بجنب! سبزی بجنب! غروب شد! قالبها جلوی دستم مانده! دیگر نمی‌خواهم بدوم آفتاب از تنور داغتر است! می‌خواهم در سایه آب انبار بخوابم. همه‌اش بخوابم بی بی! تو را خدا مرا نفرست پیش عمو رضا، مرا نفرست کوره، کوره گرم است. مرا نفرست کوره، کوره گرم است، عرق میریزم. نگاه کن عرقهایم را» (همان: ص ۵۹).

تعلیم و تربیت و توجه به تحصیل و سوادآموزی کودکان کار: کودکان خیابانی از سواد، تحصیل و آموزش و پرورش عموماً بی‌بهره‌اند. ناتوانی والدین در پرداخت هزینه‌های تحصیلی و اجبار کودکان به انجام کار در خارج از خانه سبب میشود که زمان و فرصت کافی برای تحصیل این کودکان فراهم نباشد؛ همین مسأله سبب ایجاد حسرت و اندوه در کودکان کار میشود که میتوان بازتاب آن را در بسیاری از آثار ادبی مرتبط با این کودکان مشاهده نمود.

عدم امکان تحصیل و برخورداری از امکانات آموزشی از جمله نکاتی است که در داستانهای کودک و نوجوان مورد توجه قرار گرفته است. بعنوان نمونه قهرمان یکی از داستانها -عبدل- کودک خردسالی است که بجای مدرسه رفتن باید در فصول مختلف کار کند، صبح زود بیدار شود و برود بالا شهر برف پارو کند: «مادر عبدل به قطره‌های آبی که از سقف چکه میکرد نگاه کرد، چهره‌اش درهم رفت و سرش را با افسوس تکان داد، یک قوطی حلبی برداشت و زیر چکه‌های آب گذاشت. ننه برف پشت بام را بندازم؟ نه مادر، خودم یک ساعت دیگر می‌روم می‌اندازم. تو زودتر برو بلکه چند تومن گیر بیاوری، هیچی پول توی خانه نداریم تا بری بالا شهر ظهر میشه» (برآبادی، ۱۳۸۵: ص ۷).

در داستان «چوپان کوچک» زندگی نوجوانی از عشایر ترکمن بتصویر کشیده شده است که با وجود هوش و استعداد تحصیلی سرشار و داشتن انگیزه قوی و تمایل زیاد به ادامه تحصیل مجبور است بخواست پدر درس را رها کند و به کاری مشغول شود تا کمک خرج خانه باشد؛ پدر میخواهد پسرش کار کند و چوپان شود: «یکدفعه صدای پدر بلند شد: تو غلط کردی گفتم نمیدونم! میگفتی نمیخوام. باید بچسبی به کار، محکم بچسبی، دو دستی، فهمیدی یا نه» (اونق، ۱۴۰۳: ص ۲۲).

در کتاب «خورشیدی در صحرای ترکمن» داستان آیلار دختر قالیبافی مطرح میشود که در یک روستای ترکمن نشین زندگی میکند و نقشهایی را بر قالی طرح می‌زند. آیلار از تحصیل محروم است و از صبح تا شب در اتاق قالیبافی کار میکند. آیلار چنان در فقر و نداری زندگی میکند که برای دانه دادن به پرندگان تصمیم میگیرد قالیبافی کند تا بتواند ارزنی بخرد و به پرستوها و جوجه‌هایشان که روی بام خانه مینشینند غذا بدهد، درحالیکه خودش از ضعف و ناتوانی نحیف است پای دار قالی می‌رود تا قالی را ببافد و با پول فروشش دانه بخرد: «دسته‌های آیلار خالی بود. دانه‌ای نداشت تا به پرستوها بدهد. ارزنی نداشت تا برای مرغها، خروسها و جوجه‌هایشان بریزد، پوست خربزه و هندوانه هم نداشت تا به غازها و اردکها بدهد. یکهو نگاهش به دار قالی افتاد» (قوجق، ۱۴۰۲: ص ۳).

حفظ کرامت انسانی بویژه برای دختران کار: در بحث کودکان کار دیدگاه جامعه نسبت به کار کودکان دختر نیز چندان دیدگاه مثبتی نیست و علاوه بر آنکه مبحث کار کودک بصورت کلی امری قابل قبول و پذیرفتنی نیست، این موضوع در خصوص دختران کار، دو چندان اهمیت می‌یابد. در شعر زیر از شعبانی دختری که کودک کار است و رنج و اندوه وی، چنین بتصویر کشیده شده است:

«خیابان خسته و سنگین / پر از دود و هیاهو بود / زنی با چادر و زنبیل / گذشت از حلقه‌های دود / درختی شاخه‌اش خم شد / کلاغی بال زد ترسید / صدای بوق ماشینی / به گوش آسمان پیچید / چراغ سبز، قرمز شد / کسی فریاد زد سیگار / صدای دختری روید / میان جدول و دیوار / بساط کوچکی را داشت / در آن سیگار با کبریت / به تن پوشیده بود آن روز / لباس کهنه‌ای از چیت / کسی سیگاری از او خواست / و با کبریت روشن کرد / کنار شعله کبریت / زمین و آسمان شد زرد / و من پاییز را دیدم / که در باغ دلم آویخت / صدای دخترک، چون باد / تمام برگها را ریخت» (شعبانی، ۱۳۷۶: ۱۶).

در داستان «شالیزار سبز» صنوبر دختری است که در یکی از روستاهای شمالی زندگی میکند. پدرش شالیکار است و مادرش بیمار و صنوبر مجبور است برای کمک به پدر، در مزرعه کار کند. صنوبر بنوعی مستعمره خانواده است؛ پدر اجازه نمیدهد در غیاب مادر بمدرسه برود و باید دسته‌های برنج را برداشت کند. دست تقدیر و فقر و نداری او را از کودکی و زیباییهای آن هر روز دور و دورتر میکند. اوایل قبل از ناتوانی مادر، صنوبر میتواند مدرسه برود اما در همان دوران هم باز هم باید پس از مدرسه سریع به خانه می‌آمد تا برود و در مزرعه کار کند:

«صنوبر بدو بدو از مدرسه برگشت، باید برای امیر و مشهدی قربان ناهار میبرد. گل بانو قابلمه کته را در بقچه‌ای پیچیده بود و کاسه باقلا قاتق را در بقچه‌ای دیگر. صنوبر بقچه را باز کرد. آنها بسرعت ناهارشان را خوردند تا صنوبر به مزرعه برود در حالیکه فکر درس و مشقش بود» (یوسفی، ۱۳۷۴: ص ۷).

در داستان «قالیچه بته گلی» مادر خانواده با وجود آنکه شرایط سخت و طاقت‌فرسایی را در زندگی تحمل میکند و با قالی‌بافی امرار معاش مینماید و خرج زندگی را تأمین میکند، اما حاضر نیست دخترانش به کارهای سخت رو آورند و مدام آنها را به درس خواندن تشویق میکند:

«تا بته گلی میخواست روی دار قالی بنشیند، ننه جیران او را دنبال کاری میفرستاد. حقیقتش این بود که دلش نمیخواست بته گلی قالیباف شود. با آه و افسوس به او میگفت ننه جان من از قالیبافی چه خیری دیدم که تو ببینی؟ به چشمای من نگاه کن؟! همه سوهای چشم من شده گل و ترنج قالی. قربانت تو باید معلم بشوی. اصلاً نباید دست به قلاب و دغه بزنی. بخدا اگر پای دار قالی ببینمت، با همین قلاب کبودت میکنم» (یوسفی، ۱۳۷۳: ص ۴).

حفظ کرامت انسانی دختران و آگاهی نویسندگان به روحیات این دسته از شخصیت‌های قصه کاملاً نشان میدهد که از دیدگاه نویسندگان و شاعران عرصه ادبیات کودک، کار کردن کودکان بویژه دختران در بیرون و یا کارگاه‌های قالیبافی و زمین کشاورزی... برای تأمین مخارج زندگی که در حقیقت وظیفه آنان نیست. «ننه جیران» از جمله شخصیت‌هایی است که خود از کودکی تا بزرگسالی رنج کشیده و کار کرده؛ اکنون نمیخواهد دخترانش مانند او پای دار قالی بی‌بهره از سواد و تحصیل عمر خود را سپری کنند:

«دخترهای ننه جیران هر چقدر به او التماس میکردند که دست از قالی‌بافی بردارد و پیش آنها برود، ننه جیران گوش نمیداد و میگفت من عمری قالیبافی کرده‌ام و چهار تا دختر به خانه شوهر فرستاده‌ام. باز هم قالی میبافم تا بته گلی درسش را بخواند و معلم بشود» (همان: ص ۲).

«ننه جیران با دل پر حسرت به بته گلی میگفت: ننه جان تو باید معلم بشوی، شب و روز سرت تو کتاب و دفترت باشد. خوب ننه جان! وقتی تو معلم بشوی خستگی از تن ننه جیران بیرون میرود» (همان: ص ۷).

نگاهی به آیات قرآن کریم در موضوع حقوق کودک

دین مبین اسلام در دورانی ظهور کرد که انسان و از جمله کودکان دوران خشونت بار و اسفناکی را می‌گذراندند. در جزیره العرب و پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص) مردم عصر جاهلیت با تبعیض قائل شدن میان کودک دختر و پسر، دختران را زنده به گور می‌کردند و چنانکه از برخی از آیات قرآن کریم برمی‌آید برخی فرزندان خود را از بیم فقر و تنگدستی به قتل می‌رسانند، خداوند در آیه ۳۱ سوره مبارکه اسراء آورده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمَّا لَقِيَنَّكُمْ نَزْنُكُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْهُمْ كَانَتْ خَطِيئَةً كَبِيرًا» چنانکه از محتوای آیه برمی‌آید خطاب خداوند آن است که «فرزندان» خود را مکشید، ماییم که به آنها و شما روزی میبخشیم آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است. از آیات قرآن کریم برمی‌آید که خداوند کشتن فرزندان - اعم از فرزند پسر یا دختر را - بطور کلی مورد نکوهش قرار میدهد. در آیه ۲۳۳ از سوره مبارکه بقره فرموده است: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِقَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» یعنی: «و مادران، فرزندان را دو سال کامل شیر میدهند. [این] برای کسی است که بخواهد [زمان] شیر دادن را به اتمام رسانده و بر آن کس که نوزاد برایش متولد شده لازم است خوراک [مادر] و پوشاک را بطور پسندیده [فراهم آورد]. هیچکس جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمیشود. هیچ مادری بواسطه فرزندش ضرر نبیند». در آیه یاد شده در خصوص حقوق کودک اعم از حق سرپرستی، تغذیه، پیوند با عواطف مادر و... بطور کامل مطالبی ذکر شده است و در جهت آرامش روانی مادر و ایجاد بستر مناسب جهت پرورش فرزند، هزینه زندگی مادر اعم از غذا، لباس و... بر عهده پدر نوزاد است تا مادر بتواند با خاطری آسوده، فرزند را شیر داده و او را پرورش دهد تا جایی که حتی پس از طلاق والدین در جهت ایجاد شرایط مساعد برای فرزند همین حکم جاری است: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و هیچیک از والدین نباید بجهت اختلاف خویش، حقوق مادی و معنوی کودک خود را قربانی سازند و سبب ایجاد شرایط جبران‌ناپذیر شوند: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» حتی پس از مرگ پدر، وارثان او باید عهده‌دار وظایف پدر در قبال کودک باشند: «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» (نیز بقره: ۲۳۳؛ احقاف: ۱۵؛ لقمان: ۱۴؛ نسا: ۲۳؛ طلاق: ۶؛ رح: ۵؛ نور: ۳۱ و ۵۹؛ غافر: ۶۷).

توجه به دوران کودکی در قرآن بمنزله مهمترین دوره رشد: خداوند در آیه ۵ از سوره مبارکه حج میفرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ نُنْفِثُكُمْ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخْلَقَةٍ وَغَيْرِ مُخْلَقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقَرِّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ رَوْحٍ نَبْهِيحٍ» یعنی «ای مردم اگر در روز قیامت و قدرت خدا بر بعث و برانگیختن مردگان شک و ریبی دارید ما شما را نخست از خاک آفریدیم آنگاه از آب نطفه، آنگاه از خون بسته، آنگاه از پاره‌ای گوشت با آفرینشی تمام و ناتمام تا [در این سیر انتقال قدرت خود را] بر شما آشکار سازیم و آنچه را مشیت ما تعلق

میگیرد، در رحمها قرار میبخشیم تا بوقتی معین، آنگاه شما را بصورت طفلی بیرون آوریم سپس به حد بلوغ و رشد خود برسید و برخی از شما [در این میان] بمیرد و برخی به سن پیری و دوران ضعف و ناتوانی خواهید رسید». خداوند در این آیه دوران کودکی را مقدمه‌ای برای بلوغ و رشد معرفی کرده است و در آیه ۲۰ از سوره مبارکه حدید این زمان را دوران اشتغال کودک به بازی و سرگرمی معرفی مینماید و میفرماید: «اغْلُمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأُمُوالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» یعنی «بدانید که زندگانی دنیا بحقیقت بازیچه‌ای است طفلانه و لهو و عیاشی و زیب و آرایش و تفاخر و خودستایی با یکدیگر و حرص افزودن در ازدیاد اموال و فرزندان در مثل مانند بارانی است که گیاهی در پی آن از زمین بروید که برزگران را به شگفت آورد...». علامه طباطبایی با توجه به شاخصه‌ها و ویژگیهایی که در این آیه مطرح شده است از کودکی تا پیری را مورد توجه قرار داده و ویژگیهای هر یک را برشمرده است و بیان نموده‌اند که از نظر قرآن کودکی دوران لهو و لعب و بازی است (ر.ک طباطبایی، ۱۳۶۰: ۲/ص ۳۶۰).

توصیه قرآن کریم به حمایت عاطفی از کودکان: قرآن کریم توصیه میفرماید که با کودکان به مهربانی صحبت شود و از گفتار خشن و زننده پرهیز شود چرا که سخن اهانت‌آمیز از روی ناملایمیتی در حق کودکان، نشان از بیمهری است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء: ۵). در آیه ۱۳ از سوره مبارکه لقمان: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» در این آیه آمده است: «و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش در حالیکه وی را اندرز میداد گفت ای فرزند عزیزم بخدا شرک میاور که براستی شرک ستمی بزرگ است». در خصوص محبت کردن به کودکان و تأمین نیازهای عاطفی آنان در قرآن کریم آمده است که پیامبران الهی فرزندان خود را با لفظ «بنی» - که حکایت از روابط عمیق محبت‌آمیز دارد- خطاب کرده‌اند. از زبان حضرت یعقوب (ع) در بیان عشق ایشان به یوسف (ع) آمده است: «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (یوسف: ۵) و نیز آیاتی دیگر مانند هود: ۴۲؛ لقمان: ۱۳، ۱۶ و ۱۷؛ صافات: ۱۰۲. در قرآن کریم تأمین مخارج و نفقه کودکان بر عهده والدین است.

توجه به حقوق اقتصادی و معیشتی کودک در قرآن کریم: در قرآن بر تأمین نیازهای اولیه برای کودک شیرخوار و امکانات زندگی وی در طفولیت تصریح شده است و تأمین زندگی مادی و نفقه کودک بر عهده پدر است. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُسْرِضُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره: ۲۳۳).

توجه به تعلیم و تربیت کودک در قرآن از سوی والدین: در دین مبین اسلام اهمیت تحصیل و علم‌آموزی تا حدی است که هدف بعثت پیامبران، علم‌آموزی است: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره: ۱۲۹). اوج آموزه‌های قرآن در زمینه تعلیم و تربیت کودکان در سوره مبارکه لقمان بیان شده است که خداوند متعال به‌صورت مستقیم محورهای مختلف تربیتی را از زبان لقمان خطاب به فرزندش بیان کرده است. در آیه ۱۳ از این سوره مبارکه آمده است: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش در حالی که

وی او را اندرز می‌داد گفت ای پسرک من! به خدا شرک میاور که به راستی شرک ستمی بزرگ است. نیز در آیه ۱۶ تا ۱۹ این سوره مبارکه آمده است: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (۱۶) «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (۱۷) «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (۱۸) «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْظُمْ مِّنْ صَوْتِكَ إِنْ أُنْكِرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ». «ای فرزندم! اگر [عمل تو] هم‌وزن دانه خردلی و در تخته سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، خدا آن را می‌آورد که خدا بس دقیق و آگاه است، فرزندم نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکبیا باش [نشان] از عزم [و اراده تو در انجام] امور است، و از مردم [به نخوت و غرور] رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند متکبر را دوست نمی‌دارد و در راه رفتن خود میانه‌رو باش و صداقت را آهسته ساز که بدترین آوازه‌بانگ خران است». بر طبق فرمایش خداوند متعال در این سوره مبارکه، والدین باید فرزندانی معتقد و دیندار تربیت کنند که از کار ناپسند به دور باشند و در رفتار و کردار با دیگران به حسن خلق و میانه روی عمل نمایند.

توجه به حقوق فرزندان (بویژه کرامت دختر و زنان): خداوند بصراحت در این آیه ذکر میکند که زن و مرد از آفرینش و خلقت یکسانی برخوردار هستند و ارزش و شأن وجودی زنان با مرد تفاوتی ندارد. «دیگر مواردی که میتوان به آن برای وجوب احترام به دختران تمسک کرد، آیاتی است که در بیان حقوق دختران وارد شده است. {وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ: نحل: ۵۸}. یعنی: و چون یکی از آنان را به [ولادت] دختر مزده دهند [از شدت خشم] چهره اش سیاه گردد و درونش از غصه و اندوه لبریز و آکنده شود. در این آیه از سوره مبارکه سوره نحل به دفاع از شخصیت و حقوق دختران پرداخته و به شدت کسانی که از شنیدن دختردار شدن خویش چهره کبود و دگرگون میسازند را سرزنش میکند که این چگونه رفتاری زشت و زننده‌ای است که در پیش میگیرند؟ دختران همانند پسران هستند و از نظر خداوند تفاوتی در میان ایشان نیست. بنابراین نباید از شنیدن دخترداری رو سیاه کنند و خشمناک گردند و از مردم به جهت این خبر بگیرد و متواری شود و با خود اندیشد که آیا با خواری او را نگه دارد و یا زنده در گور و خاک کند؟ این چه حکم و اندیشه زشت و ناپسندی است؟ خداوند در سوره مبارکه تکویر رفتار زشت اعراب جاهلی را به نقد میکشد و از این که خود را صاحب جان دختران میشمارند و به خود حق میدهند که آنان را بکشند و زنده به گور کنند، مورد سرزنش قرار میدهد و میپرسد که جان دختران و حق حیات دختران از آن خداست که ایشان را آفریده و جان داده است و کسی را نرسد که این حق را از ایشان سلب کند و جانشان را بگیرد. آنگاه میپرسد که این دختران را به چه گناهی میکشند؟ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ {تکویر: ۹-۸}» (انصاری، ۱۳۹۲: ص ۱۷۵).

نتیجه‌گیری

کودکان و نوجوانان همگی شرایط یکسانی را در زندگی تجربه نمیکنند و در موقعیتهای ایده‌آل رشد نمی‌یابند. گاه بدلائل مختلف از جمله نابرابریهای اجتماعی و عواملی مانند مشکلات موجود در خانواده، طلاق والدین و یا برخی مشکلات فرهنگی و اقتصادی دیگر، کودکان مجبور به کار میشوند. کودک کار به کودکی گفته میشود که بصورت موقت یا مداوم جهت تأمین معیشت و گذران زندگی مجبور به کار شود؛ چنین کودکانی عمدتاً از بازی، مدرسه و تجارب مثبت و سازنده زندگی محروم هستند و این شرایط عموماً سلامت روح و روان آنان را تهدید میکند. مسأله

حقوق کودکان بعنوان یکی اصل اساسی و بسیار مهم در آثار هنری، ادبی، شعر و داستان کودک بازتابهای متعدد و گوناگونی داشته است. در آثار مورد بررسی در این مقاله، شاعران و نویسندگان با استفاده از درونمایه‌ها و محتوای ادبی، تصاویر قدرتمند و عاطفی تلاش داشته‌اند حقوق کودکان و واقعیت‌های تلخ زندگی بسیاری از آنان را تصویر بکشند و آگاهی و همدلی مخاطب را برانگیزانند. شاعران و نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان از موضوع حقوق کودکان در جهت نقد و ارزیابی بیعدالتی، تبعیض و نشان دادن مشکلات کودکان بهره گرفته‌اند تا آگاهی عمومی را نسبت به این مسأله افزایش دهند. آشنایی با دغدغه‌های اجتماعی و محیطی پیرامون حقوق کودکان با نگاهی واقع‌گرایانه در این آثار مطرح شده است و طرح آن در کتب کودک و نوجوان در آثاری که با اقبال مخاطبان مواجه است می‌تواند نقش مؤثری در تغییر دیدگاه جامعه نسبت به این گروه سنی و بهبود شرایط زندگی آنان داشته باشد؛ بویژه آنکه در قرآن کریم مسأله حقوق کودک مطرح شده است. توجه به حقوق مادی تعلیم و تربیت ارزش و جایگاه زنان و دختران از جمله نکاتی است که خداوند متعال در خصوص ارزش و جایگاه کودکان در قرآن مورد توجه قرار داده است. نظام حقوقی قرآن نظامی است الهی که در آن به تمامی ابعاد و زوایای زندگی انسان توجه شده است و اصلیت‌ترین حقوق کودکان در آن مورد توجه قرار گرفته است. توجه به دوران کودکی در قرآن کریم بعنوان اصلیت‌ترین مرحله رشد با نکات حائز اهمیت همراه است، نکاتی مانند توجه به حقوق عاطفی کودکان، حفظ کرامت فرزندان دختر و پرهیز از تبعیض میان آنان و فرزندان پسر، توجه به اهمیت تعلیم و تربیت و معیشت کودکان که همگی از امور زیر بنایی و مهم درخصوص پرورش روح و جسم کودکان سالم در جامعه است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) استخراج شده است. سرکار خانم دکتر فاطمه حسینی میرصفی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. جناب آقای دکتر مهرداد ناظری بعنوان مشاور و دانشجوی دوره دکتری علی‌حسینی‌پور پژوهشگران، در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه نویسنده می‌باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از سردبیر محترم، مدیر مسئول گرامی و همکاران فرهیخته نشریه سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب) و دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهدۀ نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

Holy Quran. Translated by Nasser Makarem Shirazi.

- Ansari. Ghodratollah (2013). Rules of child rights in Islam. Qom: Jurisprudential Center of Athar Imams, p175.
- Barabadi. Mahmoud (2006). Uppers and lowers. Sixth edition. Center for intellectual development of children and teenagers.
- Beheshti. Saeed and Manteghi. Yaganeh (2011). New educational ideas. Faculty of Educational Sciences and Psychology, Al-Zahra University (S). Volume 7, Number 3, pp. 114-91.
- Biggie. Jamal (2009). Child victimization in Iranian law. With an introduction by Mohammad Ali Ardabili. The second PepChap. Tehran: Mizan. pp. 152-169.
- Ibn Babouyeh. Muhammad bin Ali (2001). The causes of the laws. Translation: Mohammad Javad Mendi Tehrani. Qom: Momenin, p. 171.
- Khoub Bakht. Hossein and Niknami. Bint Al-Hoda (2018). Criticism of policies and solutions provided to support working and street children. Child rights. first year pp. 109-93.
- Lotfollah. Davood (1994). Greeting umbrellas. Tehran: Zolal.
- Mirshekari. Ali and Farahani. Seyyed Javad (2012). Civil registration law in the current legal system. Tehran: Jungle, p. 23.
- Mohammadi. Mohammad Hadi (2021) Astronauts in the brick kiln. Tehran: Children and Adolescent Intellectual Development Center.
- Mosafa. Nasrin (2003). Convention on the Rights of the Child and Exploitation of Iran's Internal Affairs. Tehran: Tehran University Press, p. 27.
- Naimi Hesar. Safora and others (2016). Working children and threatening injuries. National Conference on New Researches in Management, Economics and Human Sciences. Kazeroon: Islamic Azad University, p. 1.
- Onagh. Abdul Rahman (2024). little shepherd Third edition. Tehran: Children and Adolescent Intellectual Development Center.
- Qojaq. Yousuf (2023). Sun in the Turkmen desert. Tehran: Children and Adolescent Intellectual Development Center.
- Rahimipur. Saeed (2024). A look at how children's rights are manifested in the works of Harperley and Houshang Kermani. Scientific journal of stylistics and analysis of Persian poetry and prose texts (Bahar Adeb). 17th year number ten Number 104. pp. 117-193.
- Rahmandoost. Mustafa (2005). The sky is still blue. Tehran: Children and Adolescent Intellectual Development Center.
- Rahmani. Ali Akbar (2011). waiting for dawn Eighth edition. Tehran: Children and Adolescent Intellectual Development Center.
- Shafiabadi. Abdullah and others (2023). Pathology of employment of street children in Tehran: a grand theory research. Scientific Quarterly Journal of Welfare Planning and Social Development. 15th period Number 54. pp. 1-36.
- Shahabadi. Hamidreza (2023). La Lai for the dead girl. Tehran: Center for intellectual development of children and adolescents..
- Shoaarinezhad. Ali Akbar (1996). Psychological foundations of education. Tehran: Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies, p. 84.

- Tabatabai. Mohammad Hossein (1981). Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an. Volume 2. Qom: Ismailian Publishing House, p. 360.
- Talaei. Farhad and others (2014). An analysis of child labor and its impact on the child's right to education with an emphasis on the International Program for the Elimination of Child Labor. Human rights. 10th year Number 1. Serial 19. pp. 24-3.
- Yousefi. Mohammadreza (1994). Bete Goli carpet. Tehran: Children and Adolescent Intellectual Development Center.
- _____ (1994). green paddy field Tehran: Children and Adolescent Intellectual Development Center.
- _____ (2011). Writer and bandit. Second edition. Mashhad Astan Quds Razavi Publications.

فهرست منابع فارسی

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- انصاری. قدرت‌الله (۱۳۹۲). احکام حقوق کودک در اسلام. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ص ۱۷۵.
- اونق. عبدالرحمان (۱۴۰۳). چوپان کوچک. چاپ سوم. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- برآبادی. محمود (۱۳۸۵). بالابوها و پایینیهها. چاپ ششم. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- بهشتی. سعید و منطقی. یگانه (۱۳۹۰). اندیشه‌های نوین تربیتی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س). دوره ۷. شماره ۳. صص ۹۱ - ۱۱۴.
- بیگی. جمال (۱۳۸۸). بزه‌دیدی اطفال در حقوق ایران: با مقدمه محمد علی اردبیلی. چاپ دوم. تهران: میزان. صص ۱۵۲ - ۱۶۹.
- خوب‌بخت. حسین و نیکنمایی. بنت‌الهدی (۱۳۹۸). نقد و بررسی سیاستها و راهکارهای ارائه شده برای حمایت از کودکان کار و خیابان. حقوق کودک. سال اول. صص ۹۳ - ۱۰۹.
- رحماندوست. مصطفی (۱۳۸۴). آسمان هنوز آبی است. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- رحمانی. علی‌اکبر (۱۳۹۰). در انتظار طلوع. چاپ هشتم. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- رحیمی‌پور. سعید (۱۴۰۳). سیری در چگونگی تجلی حقوق کودک در آثار هارپرلی و هوشنگ کرمانی. نشریه علمی سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال هفدهم. شماره دهم. پی در پی ۱۰۴. صص ۱۱۷ - ۱۹۳.
- شاه آبادی. حمیدرضا (۱۴۰۲). لا لایی برای دختر مرده. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعاری‌نژاد. علی‌اکبر (۱۳۷۵). مبانی روانشناختی تربیت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۸۴.
- شفیع‌آبادی. عبدالله و دیگران (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی اشتغال کودکان کار خیابانی تهران: یک پژوهش گراند تئوری. فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. دوره پانزدهم. شماره ۵۴. صص ۱ - ۳۶.
- طباطبایی. محمد حسین (۱۳۶۰). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۲. قم: نشر اسماعیلیان، ص ۳۶۰.
- طلایی. فرهاد و دیگران (۱۳۹۴). تحلیلی بر کار کودک و تأثیر آن بر حق آموزش کودک با تأکید بر برنامه بین‌المللی حذف کار کودک. حقوق بشر. سال دهم. شماره ۱. پیاپی ۱۹. صص ۳ - ۲۴.
- قوجق. یوسف (۱۴۰۲). خورشیدی در صحرای ترکمن. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- لطف‌الله. داوود (۱۳۷۳). احوالپرسی چترها. تهران: زلال.
- محمدی. محمد هادی (۱۴۰۰). فضانوردها در کوره آجرپزی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

مصفا. نسرین (۱۳۸۲). کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌برداری از داخلی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۷.
میرشکاری. علی و فراهانی. سید جواد (۱۳۹۲). قانون ثبت احوال در نظام حقوق کنونی. تهران: جنگل، ص ۲۳.
نعیمی حصار. صفورا و دیگران (۱۳۹۶). کودکان کار و آسیبه‌های تهدید کننده. کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی. کازرون: دانشگاه آزاد اسلامی، ص ۱.
یوسفی. محمدرضا (۱۳۷۳). قالیچه بته گلی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
_____ (۱۳۷۴). شالیزار سبز. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
_____ (۱۳۹۰). قلمزن و راهزن. چاپ دوم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

معرفی نویسندگان

علی حسینعلی‌پور: دانشجوی دکتری فلسفه، الهیات و معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: ali.hoseinalipour@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0000-0940-0789)

سیده فاطمه حسینی میرصافی: دانشیار گروه فلسفه، الهیات و معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: dr.mirsafi@iau.ir)

(ORCID: 0000-0003-4297-9395)

مهرداد ناظری: استادیار گروه علوم تربیتی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: Mehrdad.nazery7@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-4168-9847)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Ali Hossein Alipour: PhD student in Philosophy, Theology and Islamic Studies, Yadegar Imam Khomeini (RA) Shahr-e Ray Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: ali.hoseinalipour@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0000-0940-0789)

Seyyedeh Fatemeh Hosseini Mirsafi: Associate Professor, Department of Philosophy, Theology and Islamic Studies, Yadegar Imam Khomeini (RA) Branch, Shahr-e Ray, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: dr.mirsafi@iau.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-4297-9395)

Mehrdad Nazari: Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Yadegar Imam Khomeini (RA) Branch, Shahr-e Ray, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: Mehrdad.nazery7@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-4168-9847)